



اجرائی و چه در کلام و سخن برای دیگران مشغول است، قاعدتا نباید و نمی‌تواند به دیگران بگوید بگذارید ما کار کنیم. در این زمینه قوای دیگر هم می‌توانند بگویند دولت بگذار ما کار خود را به درستی انجام دهیم. برای مثال، همین روز گذشته حکم رئیس سازمان خصوصی سازی منتشر شد و حجم فساد شکل گرفته در این سازمان دولتی مشخص. شاید در این خصوص بهتر باشد قوه قضائیه به دولت بگوید یا تخلف نکنید یا اگر می‌کنید اجازه دهید ما هم وظیفه خود را به خوبی برای صیانت از حقوق عمومی مردم انجام دهیم.

از افزایش پهنای باند تا افزایش نرخ بنزین

پنجم؛ بخش دیگری که از میان سخنان روز گذشته رئیس جمهور به چشم می‌آید، حرف‌های او در مورد احضار وزیر ارتباطات بود. او گفت: «وزیر جوان ارتباطات ما و همچنین وزیر سابق کار بزرگی کرده‌اند. کسی را به خاطر پهنای باند نمی‌توانند محاکمه کنند. دستور من بوده و اگر می‌خواهید محاکمه کنید، من را محاکمه کنید.» در این خصوص هم باید به موضوعاتی اشاره کرد. قبلا گفته بودیم که حتما رفتار دادستانی با وزیر ارتباطات توأم با یک خطای راهبردی بوده و اساسا کمکی به حل مشکلات و مسائل نمی‌کند و تنها یک پهنانه سیاسی به دست دولت خواهد داد. در این میان اما آنچه مشخص است احضار وزیر ارتباطات به قوه قضائیه برای مسائل مهم‌تری بوده که واجد کمترین قرابت با مساله افزایش پهنای باند است و آذری جهرمی برای موضوعات مهم‌تری که مجالسی و صلاحی برای توضیح آنها نیست، فراخوانده شده بود. با این حال اما باید در جواب جناب رئیس جمهور یک نکته را متذکر شد و یک سوال مهم از رئیس جمهور پرسید. سوال این است که چطور رئیس جمهور از افزایش پهنای باند به سرعت و به خوبی مطلع می‌شوند و مسئولیت آن را هم برعهده می‌گیرند، اما صبح جمعه از افزایش قیمت بنزین و ایجاد آشوب اجتماعی اطلاع پیدا می‌کنند و مسئولیت آن را هم با وزیر کشور می‌دانند و نه شخص خودشان؟ در واقع رئیس جمهور باید پاسخ دهد که چرا در مسائلی که اقبال اجتماعی دارد، ایشان در وسط میدان و نفر اول است، اما در آنجایی که مردم ناراضی می‌شوند و میلیاردها ریال به کشور خسارت وارد می‌آید، ایشان مطلع نیستند و مسئولیت تصمیم و اجرا هم با دیگران بوده است. اینها البته همگی بخشی از همه حرف‌هایی است که می‌توان در مورد دولت و رفتار رئیس جمهور نوشت. باشد که در این چندماه کمتر تکرار شود.

حسن روحانی با وجود عذرخواهی علی عسگری و اخراج مجری برنامه زاویه، رئیس صداوسیما را به جلسه هیات دولت راه نداد، قبل تر رفتارهای مشابه با منتقدان رئیس جمهور در جلساتی دیگر رخ داده بود

دیوارکشی

هرچند حالا روندی حدودا هشت ساله شده و تقریبا همه عادت کرده‌اند که به صورت نوبه‌ای شنونده سخنان پرنیش و کنایه رئیس جمهور باشند، اما در کنار تکرار این روش قدیمی، تنوع در مخاطب و سوزهای مورد استفاده جناب روحانی نیز جالب توجه است و بعضا فرصتی ایجاد می‌کند تا با ریشه‌یابی این کنایه‌ها و در بسیاری از موارد تناقضاتی که در میان این سخنان هست، بهفهم علت واقعی این سخنان چیست و چرا بیان شده است. سخنرانی روز گذشته حسن روحانی یکی از همین سخنرانی‌ها است و چند نکته قابل بررسی در سخنان او وجود دارد. اول؛ نگاهی به سخنرانی‌های حسن روحانی طی هشت‌ساله که ریاست دولت را برعهده داشته به‌خوبی نشان می‌دهد جنس سخنان وی مطابق با شرایط روحی و وضعیت عمومی دولت در هر دوره‌ای است. جمع بندی فرار و فرود این سخنرانی‌ها که می‌توان از آن تحت عنوان روانشناسی رئیس دولت نیز نام برد نشان می‌دهد زمانی که وضعیت عمومی دولت خوب است و روحانی اداره کشور را با چالش‌های کمتری پی می‌گیرد، زمان هجمه به منتقدان و مساله‌سازی برای دیگر قوا و نهادها فرامی‌رسد و برعکس دقیقا در زمانی که اداره دولت با چالش مواجه است، روحانی از وحدت و همکاری سخن می‌گوید و سعی می‌کند کمتر به دیگر مجموعه‌های کشور کنایه زده و چالش‌آفرینی کند. از این رو باید در اولین قسمت این متن ابراز خوشنودی کنیم که ظاهرا اکنون فعالیت‌ها و امور دولت به سامان است که فرصت برای این جنس سیاست‌ورزی آقای رئیس جمهور فراهم شده است.

دفاع از آزادی بیان در روز حذف علی عسگری

دوم؛ حسن روحانی روز گذشته در بخشی از سخنان خود دوباره ادعایی که چندوقت پیش بیان و در نشست خبری خود ابراز کرده بود را تکرار کرد و گفت منتقدان دولت آزادند و تسویه هم می‌شوند، اما منتقدان دیگر قوا خیر. او دیروز گفت: «در این کشور آنهایی که نسبت به دولت با لحن نادرست صحبت می‌کنند هم در رسانه‌ها برایشان آزادی بیان ملحوظ می‌شود و مصونیت هم دارند و مهر مصونیت پای حرف آنها زده می‌شود و حتی گاهی پشت پرده تشویق شان هم می‌کنند.» هرچند پیش‌تر توضیحات کافی درباره این ادعای رئیس جمهور داده بودیم، اما به لحاظ زمانی این اتفاق مقارن با ماجرائی شده که از قضا محک بسیار مناسب و دقیقی برای این ادعای حسن روحانی است و به خوبی می‌توان اعتقاد دولت به آزادی بیان، انتقاد و... را استنجد.

ماجرا از این قرار است که چندروز پیش در جریان یک برنامه زنده تلویزیونی در شبکه چهار سیم، میهمانی که قبلا به تأیید سازمان رسیده بود و از چهره موچی هم در میان محققان و اصحاب رسانه برخوردار بود، به ناگاه حرف نامناسب و ناپسندی درباره رئیس جمهور بیان کرد که موجب رنجش بسیاری از حامیان تا منتقدان دولت را فراهم آورد. پس از این اتفاق، رئیس سازمان صداوسیما اولا به صورت رسمی از سخنان این میهمان در برنامه زنده عذرخواهی کرد و ثانیا در اتفاقی نادر و عجیب تصمیم به اخراج مجری برنامه یا شده گرفت و او را از کار

در نوزدهم آذرماه گذشته و پس از اعلام خبری که در آن ادعای شد دولت همه شکایت‌های خود را از منتقدان پس گرفته است، مرکز رسانه قوه قضائیه اعلام کرد ۲۰۰ مورد شکایت دولت از افراد حقیقی و حقوقی در دولت فعلی وجود دارد که طبق استعلام صورت گرفته، نامه‌هایی مبنی بر اعلام گذشت از شکایات مطرحه علیه خبرنگاران به قوه قضائیه، دادسرای تهران و دادسرای فرهنگ و رسانه که متولی رسیدگی به این موضوع است تا صبح امروز واصل نشده است.

رئیس سابق سازمان خصوصی سازی تان کجاست؟

چهارم؛ حسن روحانی در بخش دیگری از سخنان روز گذشته خود حرف‌های عجیب و غریب خود را تکمیل کرد. او گفت: «از تمام قوا، نیروهای مسلح، مردم و آنهایی که با دولت خوب نیستند و با دولت در قلابند و یا با دولت قهرند خواهش می‌کنم در این ۶ ماه بگذارید ما کار کنیم. وزیر ما وقت ندارید بین سه قوه راه بروید. از یک طرف در قوه مجریه کار کنید، از یک طرف به کمیسیون‌های مجلس بروید و از طرفی به قوه قضائیه احضار شود. کسانی که مسئولیت اجرایی دارند، باید به کارشان برسند و بگذارید کارهای نیمه‌تمام را انجام بدهیم و به سرانجام برسانیم.» در این مورد باید به چند نکته مهم اشاره کرد.

اولا وضعیت کشور از سال ۹۲ تاکنون چه در زمان تحریم و چه در زمان رفع تحریم کاملا معلوم و مشخص است و اساسا هیچ نیازی به توضیح ندارد. رکورد شکنی‌های تاریخی در بازارها از ارز و سکه گرفته تا مرغ و تخم مرغ و پراپرید و حتی پوشاک را مردم با گوشت و پوست و استخوان لمس کرده‌اند و می‌دانند نتایج عملکرد دولت چیست و آن روزهایی که دولتی‌ها مشغول کار بوده‌اند، چه گلی به سر مردم زده‌اند. از این رو دولت امروز هم اگر از کار کردن خیلی سخن نگوید، قاعدتا اتفاقی نمی‌افتد و شاید مردم این چندماه را بهتر بتوانند تحمل کنند تا دولت دوازدهم به پایان برسد. ناگفته نماند نظرسنجی‌هایی که این روزها مراکز معتبر دولتی و حتی نزدیک به جریان اصلاحات درباره محبوبیت دولت و شخص رئیس جمهور منتشر می‌کنند، معیار خوب و مناسبی برای افزودن به این موضوع است و می‌تواند ماجرا را کمی و دقیق کند. نهایتا اینکه با این ضعف بزرگ در امور اجرایی که مورد تأیید منتقدان و حامیان دولت است، قاعدتا اگر مجلسی نباشد که دولت را کنترل کند، آنگاه دیگر معلوم نیست وضع مردم و کشور چگونه خواهد شد.

ثانیا دولتی که هر روز خودش به بحران آفرینی و ایجاد چالش چه در میدان امور

کارشناس مسائل سیاسی در گفت‌وگو با «فره‌یختگان»:

لاپوشانی ناراضیتی‌های مردم از دولت در صداوسیما، رئیس جمهور را متوقع کرده

آیا رئیس صداوسیما برای جبران یک اشتباه باید به پابوس رئیس جمهور بیاید؟

در بخشی از موضوع مقصر علی عسگری و سازمان صداوسیماست، به این معنا که واقعا صداوسیما در طول یک سال گذشته تبدیل به تریبون دولت شده است و بیشتر از اینکه بخواهد واقعیت‌های جامعه و نظرات مردم را منعکس کند، بیشتر در اختیار دولت بوده است. به تعبیری می‌شود گفت که صداوسیما دولتی شده بود، نه صداوسیمای مردم، وقتی که صداوسیما چنین رویه‌ای پیش گرفته بود، نتیجه این می‌شود که دولتی‌ها متوقع می‌شوند. تا جایی که اگر در یک برنامه توهین‌هایی به رئیس جمهور کردند، دولت آنچنان از موضع حق طلبانه می‌آید حرف می‌زند که رئیس صداوسیما را هم به جلسات دولت دعوت نمی‌کند، لذا اینجا مقصر رئیس صداوسیماست که چرا در طول این مدت اینقدر صداوسیما را در اختیار دولت قرار داده است که دولت را متوقع کند. این درحالی است که در مقابل موج اعتراضات و انتقاداتی که مردم نسبت به عملکرد دولت داشتند، صداوسیما سعی کرده بود همه آنها را در یکی دو سال گذشته به نوعی لاپوشانی کند، بنابراین نتیجه این می‌شود که اکنون شاهد آن هستیم.

تریبون دادن مداوم به جلسات هیات دولت و اظهارات رئیس جمهور قدر نقش داشته است؟
شما نگاه کنید متوجه می‌شوید در همین یک سال گذشته صداوسیما چقدر پخش مستقیم از ستاد ملی مبارزه با

«کسی را نمی‌توانند برای پهنای باند محاکمه کنند، دستور من بوده، اگر می‌خواهید کسی را محاکمه کنید، من را محاکمه کنید. پهنای باند به معنای مبارزه با فساد است و اگر می‌خواهید کسی را برای مبارزه با فساد احضار کنید باید من را احضار کنید نه وزیر من را.» این سخنان روز گذشته رئیس جمهور بازتاب زیادی داشت و بحث محاکمه روحانی بین کاربران فضای مجازی به استناد این گزاره‌اش حساسی ترند شد؛ البته این تنها ماجرای جنجالی هیات دولت نبود بلکه ماندن رئیس رسانه ملی پشت در بسته و عدم دعوت از او با وجود عذرخواهی، موج دیگری از نقدها را به هردو طرف ایجاد کرد. ناصر ایمانی، کارشناس مسائل سیاسی در گفت‌وگو با «فره‌یختگان» به بررسی اظهارات عجیب رئیس جمهور مبنی بر درخواست محاکمه وی به جای وزیر ارتباطات و رفتار متناقض با رئیس صداوسیما که به رغم عذرخواهی از دولت و اخراج مجری کارشناس برنامه زاویه، به جلسه هیات دولت دعوت نشده بود، پرداخت که مشروح این گفت‌وگو در ادامه آمده است.

۱۱۱

چرا رئیس جمهور با وجود عذرخواهی و عقب‌نشینی رئیس رسانه ملی، بازهم اجازه حضور به او در جلسه هیات دولت نداد؟ مشکل از کجاست رئیس جمهور یا رئیس رسانه ملی؟

اینکه به جای وزیر، من را محاکمه کنید، یعنی او از پهنای باند مطلع بوده، درحالی که صبح جمعه از افزایش بنزین خبردار شده بود. به نظر می‌رسد نوعی تناقض گویی وجود دارد، درمورد اینکه رئیس جمهور از یک موضوع جزئی به این شکل خبر دارد ولی از موضوع کلان اقتصادی بی‌خبر بوده است، نقد و تحلیلی دارید؟

نظر من این است که رئیس جمهور بهتر است برای دادسرا و دادگاه تعیین تکلیف نکند، دادسرا خودش می‌داند که چه کسی را احضار کند، لذا بهتر است تصمیم‌گیری را برعهده قاضی مربوطه بگذارند؛ ایشان اگر لازم دانست رئیس جمهور را هم احضار می‌کند، نکته بعد هم این است که اگر قرار باشد روسای جمهور به دلیل همه خطاهایی که دولت یا وزرای آنها داشته‌اند احضار شوند، رئیس جمهور باید در قوه قضائیه مستقر شود.

بالاخره هر کسی مسئولیتی دارد و همچنان که مجلس تصمیماتی می‌گیرد و مثلا وزیر مربوطه را برای تصمیمات اقتصادی استیضاح می‌کنند. درست است که آن وزیر هم می‌گوید این تصمیم‌گیری در فلان شورای عالی اقتصادی کشور بوده است که رئیس جمهور هم در آن حضور داشته است، اما مجلس نمی‌تواند رئیس جمهور را احضار کند؛ یعنی نمی‌گویند آقای رئیس جمهور شما تشریف بیاورید و استیضاح شوید، درواقع اگر قرار باشد به همه موضوعات خود رئیس جمهور پاسخگو باشد که او باید دائما در مجلس یا قوه قضائیه باشد.

بالاخره در یک سطح پایین‌تر و در سطح وزرا نیز مسئولی هست که باید پاسخگو باشد. البته آن مسئول هم می‌تواند آن تصمیم را اجرا نکند و بگوید چون این کار خطاست انجام نمی‌دهم ولو اینکه رئیس جمهور این تصمیم را گرفته باشد، بنابراین این استدلال روحانی نیز ناصحیح است.

پیش‌آمده، از این همه اختیارات دولت برای استفاده از آنتن زنده صداوسیما بگذریم کار درستی نیست. درواقع اینکه دولت بخواهد با یک اشتباه، این گونه بهره‌برداری سیاسی و مظلوم‌نمایی کرده و رئیس صداوسیما را به جلسات دولت دعوت نکند، یک رویه غیرقابل قبول از طرف دولت است.

دولت باید تحمل و سعه صدر بیشتری داشته باشد و تا این حد نازک دل نباشد

به نظر می‌رسد سعه صدر دولت در برابر منتقدان کم است.
بله، به نظر می‌رسد دولت باید مقداری بیشتر تحمل و سعه صدر داشته باشد و تا این حد نازک دل نباشد و از موضوعات بهره‌برداری سیاسی نکند چرا که به‌رحال اشتباهی شده است و در این همه برنامه که صداوسیما در کل تهران، شهرستان‌ها و استان‌ها و رادیو و تلویزیون دارد، طبیعی است که یک مطلب این گونه شود. البته نباید چنین اشتباهی هم پیش بیاید و کسی هم دفاع نمی‌کند، به نظر بنده واقعا هم کار اشتباهی بوده است که در صداوسیما انجام شده است، اما مرحله آخر عذرخواهی و برخورد با خاطیان است که انجام شد و کاری بیشتر از این نمی‌شود انجام داد. لذا اینکه هم رئیس جمهور اینگونه رفتار کند و هم رفتار علی عسگری در اینجا مایه تأسف است.

روحانی اظهارنظری در هیات دولت داشت مبنی بر